

"هرکسی که در تهران ماهانه کمتر از ۵۰۰ هزار تومان دستمزد دریافت کند، زیر خط فقر است"

گزارش: گلناز اصل جوادیان

بیست چهارم آذرماه هشتاد و پنج

آمده بود پول پارو کند، آشغال جارو می کند؟!!

اینان همیشه عرق شرم برپیشانی دارند... آنان خادم هستند!!

کارگران زحمتکش شهرداری می گویند: گرچه ماهانه حدود ۲۰۰ هزار تومان و شاید کمی بیش از این رقم دریافت می‌کنیم، اما هر کسی که در تهران ماهانه کمتر از ۵۰۰ هزار تومان دستمزد دریافت کند، زیر خط فقر است و نام او را باید گرسنه بگذاریم!

یکی از این زحمتکشان که روزانه ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار می‌کند، می‌گوید: هیچ وقت متناسب با سختی کار و شرایط کار دستمزد نمی‌گیریم و همیشه خدا شرمنده اهل و عیال و خانواده ایم. کارگری که نزدیک به ۵۰ سال سن دارد، می‌گوید: کار ما دائم با سختی و بیماری‌هاست و هر لحظه در معرض انواع خطرات هستیم.

"عباس" آقا که اهل آذربایجان است، می‌گوید: ۳ تا بچه دارم، دو تای آنها نظری و راهنمایی هستند و سومی ابتدایی می‌خواند.

او می‌گوید: مستاجرم و ماهی حدود ۱۰۰ هزار تومان کرایه می‌دهم و آن چه برای من و خانواده ام در ماه می‌ماند خدا رو شاهد می‌گیریم حدود ۱۵۰ هزار تومان است که باید خرج‌های گران‌زندی را بدهم. راعهده دارشوم این زحمتکش شهرداری می‌گوید: بالای سر ما پیمانکارانی هستند که فقط به منافع خود می‌اندیشند و بس!

"عباس" آقا می‌گوید: ما خورد و خوراک خوب و تفریح و گردش را فراموش کرده ایم و خانواده گناهکار من باید پاسوزم شوند!

کارگری هم که جوی آب خیابان ولیعصر را تمیز می‌کند، می‌گوید: در سرما و گرما صبح تا شب کار می‌کنم تا لقمه نانی حلال برای خانواده ببرم اما همیشه جیب امان خالی است و عرق شرم بر پیشانی ام.

او که ۳۳ سال سن دارد، می‌گوید: اهل لرستانم آنجا کار نبود و آمدم که تهران پول پارو کنم و حالا به جای پول آشغال جاروب می‌کنم تا زندگی لعنتی بچرخد.

عبداله که مادر بیمارش را نگهداری می‌کند، می‌گوید: ۲ اتاق نمودر جنوب شهر تهران حوالی بهشت زهرا کرایه کرده‌ام و ماهانه ۱۲۰ هزار تومان اجاره میدهم و کل دریافتی‌ام ۲۵۰ هزار تومان است؛ آیا با این دستمزدها می‌توان

زندگی خوب را تجربه کرد!

"عبداله" که دیپلمه است، می گوید: هر جا رفتم سراغ کار جواب سر بالا دادند بخاطر حفظ آبرو و اینکه دزدی و پی کارهای خلاف بروم، قبول کردم که در شهرداری کار کنم.

او می گوید: مشکل اصلی من و امثال من بیمه و این جور مسایل نیست، مشکل کمی دستمزدها در قبال هزینه های کمرشکن است.

عبدالله ادامه میدهد، گرچه پیمانکاران هم با کارگران خوب تا نمی کنند و جرات اعتراض نداریم، اما مشکل وضعیت جامعه است که همه را به کارهای خلاف وا می دارد و من اگر روزی احساس کنم که نمی توانم حداقل خواسته ها خانواده را تامین کنم، مطمئن باشید که سراغ کارهای خلاف خواهم رفت.

بهمن ۳۰ ساله دیپلمه که در فضای سبز شاغل است، می گوید: پیمانکار ادیت می کند و حقوق ما را به موقع پرداخت نمی کند می پرسم که آیا از خود خانه داری و او می گوید: بنده خدا، خونه و زندگی چیه، خیلی هنرکنم با این حقوق، آبروداری کنم و سراغ دزدی و خلاف بروم!

بهمن میگوید: مشکل بیمه نداریم، اما آیا تمام مشکلات زندگی با بیمه و دفترچه درمان حل میشود من الان می خواهم زندگی آبرومندانه داشته باشم و آن وقت شما از بازنشستگی و مزایای آن موقع می پرسید؟!

۴۸ ساله است، ۳ فرزند دارد و ماهانه ۲۰۰ هزار تومان حداقل دستمزدش میباشد، میگوید: قرارداد ۶ ماهه می بندند و بیمه امان هم کردند اما تا کی باید منتظر سرمایه باشیم و با حقوق بخور نمیری يك خانواده پنج نفری را اداره کنم. حسین تکه کلامش همانند دیگر همکارانش است: همیشه شرمنده خانواده ام! با این دستمزدها فقط باید به فکر این باشیم که زنده ایم زندگی پیشکش!

احمد ۲۶ ساله، دارای مدرک سیکل، جاروکنشی می کند و می گوید: از ناچاری سراغ این کار آمدم و مطمئن هستم که آینده ای ندارم اما چه کنم، باید ببینم که کاری پیدا می شود که بروم یا نه!

کارگری که ۲۴ ساله در شهرداری شاغل است، می گوید: ۱۰ ساله که بیمه هستم، اما ۲-۳ ماه حقوق نگرفته ام، ۴ تا بچه دارم و نمی دانم که چه خاکی بر سرم بریزم، بخوام سراغ کار دیگری بروم، با این سن و سال هیچ جا کار نمی دهند و آخر و عاقبت یا باید سراغ کارهای خلاف بروم و یا اینکه گدایی کنم!

و کارگری که ۲۴ سال سن دارد، میگوید: می خواهم از دواج کنم اما پولی در بساط نیست، در این سن و سال باید از تمامی خوشی ها بگذرم و خوب پوشیدن و خوب خوردن و تفریح و جوانی رافراموش کنم؛ چون کارگر شهرداری ام! و کارگری می گوید: خواسته امان اینها هستند؛ بیمه کند و حقوق مکفی بدهند تا يك زندگی آبرومندانه داشته باشیم و پیش دوست و دشمن دست گدایی دراز نکنیم!

گزارش: گلناز اصل جوادیان

تهران- خبرگزاری کار ایران